

بررسی رابطه روش های تربیتی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و حمایت اجتماعی با شادکامی دانش آموزان دوره متوسطه شهر قم

فرزانه اوستان^۱

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی (نویسنده مسئول)

چکیده

مقدمه: دانش آموزان قشر عظیمی از افراد فعال در حوزه یادگیری جامعه و خانواده آموزش و پرورش تلقی می شوند. لازم است برای رسیدن به هدف های تربیتی، به عوامل متعددی چون حمایت اجتماعی و شادکامی آنان توجه شود. هدف این مطالعه بررسی رابطه بین روش های تربیتی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و حمایت اجتماعی با شادکامی دانش آموزان شهر قم بود. **مواد و روش ها:** این مطالعه به روش توصیفی - همبستگی با جامعه آماری همه دانش آموزان شهر قم و با نمونه آماری ۲۵۰ نفر از دانش آموزان اجرا شد. ابزار جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه روش های تربیتی بامریند، وضعیت اقتصادی - اجتماعی قدرت نما، حمایت اجتماعی فیلیپس و شادکامی آکسفورد بودند. **یافته ها:** بین روش های تربیتی با شادکامی دانش آموزان؛ بین وضعیت اقتصادی - اجتماعی با شادکامی دانش آموزان و بین حمایت اجتماعی با شادکامی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. **نتیجه گیری:** ضروری است تا برنامه ریزان درسی و آموزشی؛ از ویژگی های شخصیتی، فردی، اجتماعی و خانوادگی دانش آموزان اطلاعات کافی داشته باشند. فقط از این رهگذر است که میتوان برای دستیابی به اهداف تربیتی، برنامه ریزی درستی ارائه کرد.

واژه های کلیدی: روش های تربیتی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، حمایت اجتماعی، شادکامی، دوره متوسطه.

۱-مقدمه

از نظر روانشناسی، شادکامی و رضایت خاطر، مشخصه تجربه اوج است و این تجربه نشانه ای از خود شکوفایی در افراد است. بدون شادی زندگی خشک و بی معناست، با شادی هر چیز در زندگی جالب و قابل اجرا می شود. شادی، واکنش مثبتی است که در مواجهه با صحنه ها و رویدادهای رضایت بخش پدید می آید و احساس خوشایندی است که بر اثر دستیابی به آنچه که آرزو و انتظارش را داریم پدیدار می گردد. روانشناسان، درصدد هستند تا علل شادی و فرآیندهایی را که باعث شادی می شوند را پیدا کنند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱). بر اساس روان شناسی مثبت و تاکید بر افزایش شادکامی باید عوامل موثر در شادکامی را مد نظر قرار داد. با استناد به تحقیقات انجام شده و نظریه های مختلف می توان به چند عامل مهم و موثر در شادکامی از جمله روش های تربیتی، وضعیت اقتصادی و حمایت اجتماعی اشاره کرد (استینبرگ، ۲۰۱۲). روش های تربیتی، عاملی تعیین کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در اسباب شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می کند. این که والدین کدام روش تربیتی را را در خانواده اتخاذ کنند تاثیر مهمی بر ابعاد مختلف زندگی فرد می گذارد هدف همه روش های تربیتی شکل دهی به شخصیت روانی فرد است. سبک مقتدرانه مناسب ترین روش تربیتی است (علی بیگی و همکاران، ۱۳۹۳). وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده گرچه عامل اصلی بر سلامت خانواده، رشد و شادکامی فرزندان هستند ولی متأسفانه در بسیاری موارد مشاهده شده است که گاهی همه یا بخشی از امکانات اقتصادی و اجتماعی خانواده به علت عدم آگاهی سرپرست خانواده و یا آشفتگی در روابط افراد خانواده در جهت شادکامی همه جانبه فرزندان قرار نمی گیرد و سهم قابل توجهی از این امکانات صرف تهیه و تأمین مایحتاج غیر ضروری زندگی می گردد. خانواده هایی که مهارت های اساسی زندگی را می دانند و تجربه خوبی از آن داشته اند از حداقل امکانات موجود خانواده به بهترین وجه، حداکثر بهره برداری لازم برای شادکامی فرزندان خود که آینده ساز آنان است به عمل می آورند (عباسی، ۱۳۹۳).

در سال های اخیر، رویکرد روانشناسی مثبت گرا، هدف نهایی خود را شناسایی سازه ها و شیوه هایی می داند که شادکامی انسان را به دنبال دارند. از این رو، عواملی که سبب شادکامی هرچه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی شوند، بنیادی ترین سازه های مورد پژوهش این رویکرد به شمار می روند (شوگرین^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). رابطه بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می توان به عنوان نظام یا شبکه ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. این نظام به طور مستقیم و غیر مستقیم، از طریق سبک ها و روش های تربیتی والدین در شادکامی کودکان تاثیر می گذارد. اکثر روان شناسان صرف نظر از مکتبی که به آن معتقدند، کنش های متقابل میان والدین و فرزندان خود را اساس شادکامی تلقی می کنند (رضایی، ۱۳۹۳). خانواده هایی که در وضعیت اقتصادی- اجتماعی مناسبی هستند و تجربه خوبی از آن داشته اند از حداقل امکانات موجود خانواده به بهترین وجه، حداکثر بهره برداری لازم برای شادکامی فرزندان خود

¹- Estinberg

1- Shogren

که آینده ساز آنان است به عمل می آورند. همچنین افراد شاد کمتر از افراد افسرده با افکاری درباره ناخشنودی شخصی، انتظارات منفی، عزت نفس پایین و درماندگی درگیر هستند و بیشتر از حمایت اجتماعی برخوردار هستند. حمایت اجتماعی بالا را می توان به عنوان یکی از عوامل پیش بینی کننده شادکامی در نظر گرفت (کامدار، ۱۳۹۴). حمایت اجتماعی، قابلیت و کیفیت ارتباط با دیگران است که منابعی را در مواقع نیاز فراهم می کنند. حمایت اجتماعی یک کمک دو جانبه است که سبب ایجاد خودپنداره مثبت، احساس عشق و حرمت نفس می شود و در همه این موارد به فرد فرصت شادکامی می دهد (کلین^۳ و همکاران، ۲۰۱۳).

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دارلینگ و استاینبرگ^۴ (۱۹۹۳) روش های تربیتی را به عنوان نوعی نگرش و رفتار که سبب یک فضای عاطفی گسترده شده و تعیین کننده نوع تعامل کودک با پدر و مادر می باشد تعریف کرده اند (به نقل از حاتمی و همکاران، ۲۰۱۱). روش های تربیتی می تواند به عنوان الگوی رفتاری که مراقبین اولیه کودک، از آن برای تعامل با فرزندان خود استفاده می کنند تعریف شود. این روش ها در واقع یک فضای عاطفی ایجاد شده است که رفتار پدر و مادر را در آن بیان می کند (بشارت و همکاران، ۲۰۱۱). کودک در خانواده، پندارهای اولیه را درباره جهان فرامی گیرد. از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می یابد و به عبارتی اجتماعی می شود. هر خانواده روش خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد. این روش ها که روش های تربیتی نامیده می شوند متأثر از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره می باشند (هاردی^۵ و همکاران، ۲۰۰۹ به نقل از امامزاده، ۱۳۹۴). منظور از روش های تربیتی نحوه ارتباط و برخورد والدین نسبت به فرزندان، احساسات و علاقه آن ها به یکدیگر و چگونگی دخالت یا عدم دخالت در کارهای مهم و همکاری آن ها است (شریعتمداری، ۱۳۹۲). روش های تربیتی ترکیباتی از رفتارهای والدین هستند که در موقعیت های گسترده روی می دهند و جو فرزند پروری بادوامی را به وجود می آورند (برک^۶، ۲۰۱۲).

امروزه تقریباً مسلم شده است که حمایت اجتماعی یکی از عوامل بسیار مهم در ایجاد بروز شادکامی است. انسان نیز مانند سایر موجودات به طور فطری، به زندگی در جمع هموعان خود متمایل می باشد؛ اما تفاوت اجتماعات انسانی با موجودات دیگر در این است که موجودات دیگر تنها برای حفظ بقای خود بر جمع گرایی روی می آورند، در حالی که انسان، علاوه بر برآوردن نیازهای زیستی خود در اجتماع، می تواند عواطف و احساسات درونی خود را نسبت به دیگران بروز دهد تا با آنها احساس همدردی کند و به طور متقابل، از آنها احساس همدردی ببیند، با آنها گریه کند و بخندد، و به هم نوع خود عشق بورزد. از این رو زندگی کردن

2- Klein

4- Darling & Steinberg

4- Hardy

5- Berk & Laura

در جمع به خاطر ارضای احساسات و عواطف آدمی، کمک بسیار زیادی به آرامش درونی و تخلیه هیجانات روحی او می کند، زیرا که زندگی در محیطی صمیمانه و دوستانه که فرد را همواره مورد حمایت خود قرار می دهد باعث می شود که او درک کند که مورد توجه و علاقه دیگران است. احساسی که فرد علاوه بر آنکه خود را با ارزش می پندارد، میداند که مورد تصویب و پذیرش دیگران نیز هست و بدین ترتیب موجبات ایجاد احساس آرامش و شادکامی در او فراهم می شود (ملکی و همکاران، ۱۳۹۲).

خانواده به عنوان اولین کانون اجتماعی، عوامل مختلفی دارد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد فرزندان به ویژه رشد روانی آنها، چگونگی روش های تربیتی والدین در چارچوب خانواده است (نعمتی، ۱۳۹۰). روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و هم چنین سازگاری آنان با وضعیت مختلف اجتماعی مؤثر است. روابط مطلوب میان والدین و فرزندان در شادکامی فرزندان تأثیر فراوان دارد. ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سال ها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۲). در متون اسلامی نیز فرزندپروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، آموزش ها، تعامل ها و روش هایی است که جدا و در تعامل با یکدیگر بر رشد معنوی، عاطفی در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می گذارد. از دیدگاه اسلام، مسئولیت تربیت فرزند در دوران کودکی بر عهده پدر و مادر است تا آنجا که یکی از حقوق فرزندان به شمار آمده است (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱). روش های تربیتی را می توان مجموعه ای از رفتارها دانست که تعاملات والد-فرزند را در طول دامنه گسترده ای از موقعیت ها توصیف می کند. بامریند که مطالعات طولی برجسته ای را با مشاهده تعامل های والدین با فرزندان خود انجام داد، روش های تربیتی را شامل رفتارهای گوناگون متنوع و بهنجار و طبیعی می داند. بامریند دریافت که روش های تربیتی در دو بعد با یکدیگر تفاوت دارند. بعد اول توقع و کنترل و بعد دوم پذیرندگی و اجابت کنندگی می باشد. ترکیب گوناگون دو بعد توقع/کنترل و پذیرندگی/اجابت کنندگی چهار شیوه فرزندپروری را به وجود می آورد که پژوهش بامریند بر سه شیوه آن متمرکز است؛ مقتدرانه، مستبدانه و سهل گیرانه. چهارمین شیوه یعنی شیوه کناره گیر (مسامحه کار) را محققان دیگری مورد مطالعه قرار داده اند. از طرفی پژوهش های متعددی (کروز^۷ و همکاران، ۲۰۰۳؛ کوهن و سیم^۸، ۲۰۱۰؛ هالاهان^۹، ۲۰۱۳) نشان دادند که به نسبتی که دانش آموزان از حمایت اجتماعی موجود ناراضی باشند، به همان نسبت نیز شادکامی در آنها کمتر می شود و علایم افسردگی در آنها ظاهر می شود. نتیجه پژوهش شلمزاری (۲۰۱۲) نشان داد که هر چه حمایت اجتماعی بالاتر باشد، سطح سلامت عمومی و شادکامی افزایش می یابد و با افزایش حمایت اجتماعی افسردگی در دانش آموزان کاهش می یابد. این نتایج همچنین، نشان دادند که حمایت اجتماعی هم برای دختران و هم برای پسران مؤثر بوده است (هرمزی، ۱۳۹۲).

¹- Krouse

2- Krouse

3- Holahan

4- shalamzari

والدین نخستین و مهم ترین معلم بشریت هستند، نقش کلیدی آنان در تعلیم و تربیت فرزندان بر کسی پوشیده نیست. خشت اول تربیت توسط پدر و مادر در نهاد بشر بنا می شود، قطعاً دلسوزترین فرد برای انسان ها والدین هستند. آنان فرزندان را شیره جان خود می دانند و با همه وجود نسبت به آموزش و تربیت فرزندان خود تلاش و کوشش می کنند (گنجی، ۱۳۹۲). بی شک همه انسان های موفق تاریخ در دامن خانواده های خوب تربیت شده اند تا چشم باز کرده اند پدر و مادر را در کنار خود دیده و نخستین آموزش ها را از آنان فرا گرفته اند. زیربنای همه جوامع بشری نهاد مقدس خانواده است (مدنی و همکاران، ۱۳۹۴).

رشد و ترقی و تعالی جوامع نیز از خانواده آغاز می شود. نهاد بین المللی خانواده پیش نیاز جامعه محسوب می شود، ویرانی و تخریب جامعه نیز از خانواده کلید می خورد. در واقع خانواده مینیاتور جامعه است و خروجی خانواده موتور محرکه جامعه است پس والدین به عنوان نخستین و مهم ترین معلم فرزندان با کوشش خود حیات مدنی جوامع بشری را بنا می کنند و آموزش پدران و مادران به بچه ها در واقع آموزش به جامعه محسوب می شود و هرگونه تلاش در این بخش موجب رشد و پیشرفت جامعه خواهد شد و برعکس هرگونه قصور و کوتاهی باعث بروز مشکلات در فرزندان جامعه می شود به همین دلیل توصیه شده است والدین برای تربیت فرزندان هوشمند و با برنامه باشند و لازم است که ابتدا از مدل تربیتی مناسب و مطلوب استفاده کنند تا بتوانند میوه زندگی شان را بارور، مفید و موثر تحویل جامعه بدهند (ملکی، ۱۳۹۰). در انتخاب مدل تربیتی، پدر و مادر باید هر دو توافق داشته باشند و با اعتقاد راسخ قلبی نسبت به آینده روشن فرزندان با مطالعه و تحقیق و آگاهی لازم دست به انتخاب احسن بزنند. هرگونه اختلاف نظر در مدل تربیتی منجر به بروز مشکلات فراوانی در زندگی بچه ها و سپس در جامعه خواهد شد. جایگاه و اهمیت تربیت فرزندان که عصاره همه تلاش و کوشش والدین محسوب می شود باید هدفمند و با برنامه و شیوه مناسب و مطلوب انجام شوند تا باعث بروز گرفتاری نشود (حسینی، ۱۳۹۲).

تاکید بر انتخاب مدل تربیتی به میزان محبت اهمیت دارد که در عصر حاضر عناصر مزاحم فراوان در تربیت فرزندان مداخله می کنند و کوتاهی و بی توجهی باعث تلف شدن کوشش ها و تلاش های والدین در زندگی خواهد شد. منابع مزاحم تربیتی که به سهولت در دسترس فرزندان قرار دارد و به آسانی با نفوذ فکری با ذائقه سازی و جلب توجه افکار آنان خوراک فکری و فرهنگی مناسب خود را در اختیار کودکان و نوجوانان قرار می دهند و این گونه آنان را متناسب با ارزش ها و هنجار های خود و به صورت نامرئی و غیرمستقیم تربیت می کنند تا در دراز مدت آنان را سرباز پیاده نظام خود در کنار خانواده علیه باورها و اعتقادات والدین به مبارزه وادارند (محمدی، ۱۳۹۴).

محمدی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادکامی در بین دانش آموزان پرداختند. نتایج حاکی از وجود یک رابطه خطی بین درآمد سرانه و شادکامی است؛ به گونه ای که با افزایش درآمد، شادکامی نیز افزایش می یابد. افزایش محدودیت ها اجتماعی نیز به عنوان شاخص های اندازه گیری با شادکامی کمتری در جوامع همراه شده است.

کریمی و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی به بررسی رابطه بین شادکامی و حمایت اجتماعی و حمایت اجتماعی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه سوم دبیرستان در رشته ریاضی - فیزیک شهرستان اهواز

پرداختند. نتایج پژوهش نشان دهنده این بود که شادکامی با حمایت اجتماعی رابطه ای مثبت و معناداری داشته ولی هیچکدام از دو متغیر یاد شده با عملکرد تحصیلی رابطه معناداری نداشته است. فرج الهی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به رابطه بین حمایت اجتماعی با شادکامی، خودکارآمدی و بهبود عملکرد در محیط کار پرداختند. یافته های پژوهش نشان داد که رابطه بین حمایت خانواده با خودکارآمدی معنادار است و بین خودکارآمدی و سبک دلبستگی رابطه معناداری پیدا نشد. نتایج تحلیل رگرسیون پند متغیری نشان داد که حمایت خانواده قادرند به طور سلسله مراتبی تغییرات خودکارآمدی را به طور معناداری پیش بینی کنند.

جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله ای به بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری و تاب آوری با شادکامی دانش آموزان مقطع ابتدایی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین شیوه فرزندپروری استبدادی والدین با شادکامی و تاب آوری دانش آموزان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین بین شیوه فرزندپروری آزادمنشانه با شادکامی فرزندان رابطه مثبت و معنادار وجود داشت؛ ولی شیوه فرزندپروری آزادمنشانه با تاب آوری رابطه معنادار نداشت. همچنین بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با شادکامی و تاب آوری دانش آموزان رابطه معنادار وجود داشت.

فیدمن^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی به بررسی رابطه حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی با شادکامی در سالمندان پرداختند. نتایج تحلیل داده ها، همبستگی مثبت و معنادار بین مولفه های حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی با شادکامی را نشان داد. از بین مولفه های حمایت اجتماعی، حمایت خانواده و دوستان و همچنین رضایت از زندگی، شادکامی را به صورت مثبت و معنی دار پیش بینی کرد. هانکسون^۲ و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری با حمایت اجتماعی در بین ۲۵۰ دانش آموز پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین سبک های فرزندپروری با حمایت اجتماعی از دیدگاه دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد.

ساموئل^۳ (۲۰۱۶)، در تحقیقی به بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری والدین، سبک شناختی با شادکامی دانشجویان در دانشگاهی در آفریقا پرداخت. نتایج نشان داد تنها متغیرهای شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی و سبک شناختی با شادکامی معنی دار بودند. این دو متغیر مجموعاً ۱۵/۶ درصد از کل واریانس شادکامی را پیش بینی کردند. متغیرهای جنس، شیوه های فرزندپروری سهل گیر و استبدادی چون نمی توانستند شادکامی را پیش بینی نمایند از مدل رگرسیون حذف شدند. همچنین شاخص کلی شادکامی و مولفه های بسط، سیالی و انعطاف پذیری و سبک شناختی دختران و پسران تفاوت معنی داری نداشت. ولرند^۴ (۲۰۱۳)، در پژوهشی

¹ - Fidman

1

¹ -Hankson

2

¹ -Samuel

3

¹ -Verland

4

درکانادا که بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی انجام داد، مقیاس حمایت اجتماعی را بر روی آنها اجرا نمود. نتایج نشان داد که دانش‌آموزانی که حمایت اجتماعی بالاتری دارند، از پیشرفت تحصیلی بالاتری نیز برخوردارند. همچنین در این تحقیق مشخص گردید که دختران نسبت به پسران از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند.

والتر^۱ همکاران (۲۰۱۶)، در مقاله ای به بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین و شادکامی با خلاقیت در ۲۱۰ دانش آموز تیزهوش در اسکاتلند پرداختند. نتایج نشان داد در گروه افراد با شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی مادر، در شادکامی پایین، کمترین فراوانی مربوط به خلاقیت در سطوح بسیار کم و کم بوده و بیشترین فراوانی مربوط به سطوح خلاقیت زیاد و بسیار زیاد است. همچنین میان شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی و شادکامی با خلاقیت در تیزهوشان رابطه مثبت وجود دارد. بنتال^۲ و همکاران (۲۰۱۴)، در پژوهشی به تدوین مدل روابط شیوه‌های تربیتی - شخصیت - عزت نفس و شادکامی - الگوی تحلیل مسیر پرداختند. یافته‌ها نشان دادند که بین سبک فرزندپروری قاطع با شادکامی به واسطه روان رنجورخویی و برون‌گرایی رابطه غیرمستقیم معنادار وجود دارد. همچنین برون‌گرایی، سبک فرزندپروری قاطع، روان رنجورخویی و عزت نفس به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین شادکامی دارند. در این پژوهش نقش عزت-نفس، شخصیت و سبک‌های فرزندپروری در شادکامی تأیید شد که این بیانگر اهمیت نقش این متغیرها در شادکامی است. دیاز^۳ و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی رابطه روش‌های تربیتی با شادکامی و سلامت روانی دانش‌آموزان دوره متوسطه پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سبک فرزندپروری منطقی و شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که میزان ضرایب هم‌خوانی برابر با (۰/۶۳) و (۰/۷۲) بوده است. همچنین با اطمینان می‌توان گفت که بین نمرات سبک فرزندپروری استبدادی و آزاد با شادکامی هیجانی و سلامت روانی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه رابطه معناداری وجود ندارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه به روش توصیفی - همبستگی اجرا شد. جامعه آماری این تحقیق شامل همه دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه شهر قم بود. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان به تعداد ۲۵۰ نفر از دانش‌آموزان به صورت تصادفی - خوشه‌ای چند مرحله‌ای، انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این مطالعه شامل «پرسشنامه ۳۰ سوالی روش‌های تربیتی بامریند»؛ «وضعیت اقتصادی - اجتماعی قدرت نما»؛ «حمایت اجتماعی فیلیپس» و «شادکامی آکسفورد» بود. الف) پرسشنامه روش‌های تربیتی بامریند: در پژوهش مشتاقی،

¹ -Walter 5

¹ -Bental 6

¹ -Diaz 7

¹ -Parenting style Inventory 8

میرهاشمی و پاشاشریفی (۱۳۹۳) پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب برای روش های تربیتی مقتدر، سلطه جو و سهل گیرانه ۰/۷۵، ۰/۷۳ و ۰/۷۲ به دست آمده است. در این تحقیق با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، پایایی پرسشنامه روش های تربیتی، برای روش های مقتدر، سلطه جو و سهل انگار به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۸۷ به دست آمد که نشان دهنده پایا بودن پرسشنامه تحقیق می باشد. هم چنین در این پژوهش برای روایی پرسشنامه ها از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. به این منظور پرسشنامه در اختیار استاد محترم راهنما و تعدادی از خبرگان دانشگاهی قرار گرفت و از آنان در مورد هر سؤال و در خصوص ارزیابی هدف مربوط، نظرخواهی شد و پرسشنامه پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. ب) **پرسشنامه وضعیت اقتصادی - اجتماعی^۱ قدرت نما:** ابزار اندازه گیری وضعیت اقتصادی - اجتماعی پرسشنامه قدرت نما در سال ۱۳۹۲ طراحی شده که شامل ۴ مؤلفه (میزان درآمد، طبقه اقتصادی، وضعیت مسکن و تحصیلات) است. در هنجاریابی این آزمون که توسط حسینی (۱۳۹۴) روی نمونه ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از بین دانشجویان صورت گرفت ضریب همبستگی ۰/۸۷ گزارش شده است. پ) **پرسشنامه حمایت اجتماعی فیلیپس:**^۲ پرسشنامه حمایت اجتماعی فیلیپس و همکاران، در سال ۱۹۸۶ بر مبنای تعریف کوب از حمایت اجتماعی ساخته شد. بنا به تعریف کوب، حمایت اجتماعی به میزان برخورداری از محبت، مساعدت و توجه اعضای خانواده، دوستان و سایر افراد اشاره دارد. این پرسشنامه دارای ۲۳ ماده است. این پرسشنامه سه خرده مولفه دارد: حمایت خانواده، حمایت دوستان، و حمایت دیگران. ت) **پرسشنامه شادکامی آکسفورد:**^۳ پرسشنامه شادکامی آکسفورد در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل و لو، تهیه شده و شامل ۲۹ گویه است. در بررسی های گوناگون، پایایی بازآزمایی ۰/۸۱ پس از ۴ ماه، ۰/۶۷ پس از ۵ ماه، ۵۳ پس از ۶ ماه گزارش شده است. همچنین در پژوهش آرگایل و همکاران (۱۹۸۹) هفت عامل زیر به دست آمده است: خود پنداره، رضایت از زندگی، آمادگی روانی، سرذوق بودن، احساس زیبایی شناسی، خود کارآمدی، امیدواری (علی پور و نوربالا، ۱۳۷۸).

۴- یافته های پژوهش

جدول (۱): ماتریس همبستگی بین متغیرهای مورد بررسی

متغیرها	سهل گیرانه	استبدادی	قاطع و اطمینان بخش	وضعیت اقتصادی اجتماعی	حمایت اجتماعی	شادکامی
سهل گیرانه	-					
استبدادی	۰,۶۸**	-				
قاطع و اطمینان بخش	۰,۵۳**	۰,۶۵**	-			
وضعیت اقتصادی اجتماعی	۰,۸۳**	۰,۸۶**	۰,۶۲**	-		
حمایت اجتماعی	۰,۸۰**	۰,۵۰**	۰,۴۶**	۰,۶۸**	-	
شادکامی	۰,۷۵**	۰,۹۰**	۰,۵۷**	۰,۸۲**	۰,۵۴**	-

^۱ - Socio Economic Status 9

^۲ - Philips Social Support Questionnaire

^۳ - Oxford Happiness Inventory^۱

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول (۱)؛ بین متغیرهای پژوهش، همبستگی نسبتاً بالایی برقرار است.

جدول (۲)؛ بررسی نتایج تحلیل رگرسیون و رابطه بین روش های تربیتی با شادکامی

الگوی مدل	R	R ²	ضریب B	خطای معیار	ضریب استاندارد شده بتا	میزان t	سطح معناداری
سهل گیرانه*شادکامی	۰,۷۴	۰,۶۲	۰,۶۸	۰,۰۳	۰,۷۶	۲۰,۸	۰,۰۰۱
استبدادی*شادکامی	۰,۷۸	۰,۵۵	۰,۰۳	۰,۷۸	۰,۷۸	۲۴,۱	۰,۰۰۱
قاطع*شادکامی	۰,۵۷	۰,۳۲	۰,۴۵	۰,۰۳	۰,۵۷	۱۳,۱	۰,۰۰۱

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول (۲)؛ بین روش تربیتی سهل گیرانه با همبستگی ۰/۷۴ و ضریب بتای ۰/۶۸ قادر به پیش بینی (مجذور ضریب همبستگی)، ۶۲ درصد از واریانس شادکامی می باشد. هم چنین با توجه به این که مقدار t مشاهده شده برای این متغیر از مقدار بحرانی بزرگتر است این رابطه معنادار می باشد. بین روش تربیتی استبدادی با همبستگی ۰/۷۸ و ضریب بتای ۰/۸۲ قادر به پیش بینی (مجذور ضریب همبستگی) ۵۵ درصد از واریانس شادکامی می باشد. هم چنین با توجه به این که مقدار t مشاهده شده برای این متغیر از مقدار بحرانی بزرگتر است این رابطه معنادار می باشد. بین روش تربیتی قاطع با همبستگی ۰/۵۷ و ضریب بتای ۰/۴۵ قادر به پیش بینی (مجذور ضریب همبستگی) ۳۲ درصد از واریانس شادکامی می باشد. هم چنین با توجه به این که مقدار t مشاهده شده برای این متغیر از مقدار بحرانی بزرگتر است این رابطه معنادار می باشد.

جدول (۳)؛ نتایج تحلیل رگرسیون و رابطه بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی و حمایت اجتماعی با شادکامی

الگوی مدل	R	R ²	ضریب B	خطای معیار	ضریب استاندارد شده بتا	میزان t	سطح معناداری
وضعیت اقتصادی-اجتماعی*شادکامی	۰,۸۹	۰,۷۹	۰,۲۶	۰,۰۱	۰,۷۲	۲۴,۸	۰,۰۰۱
حمایت خانواده*شادکامی	۰,۹۱	۰,۸۰	۰,۳۶	۰,۰۰۷	۰,۹۲	۵۰,۳	۰,۰۰۱
حمایت دوستان*شادکامی	۰,۹۲	۰,۸۸	۰,۰۵	۰,۰۱	۰,۱۸	۳,۵	۰,۰۰۱
حمایت دیگران*شادکامی	۰,۹۱	۰,۷۹	۰,۲۹	۰,۰۱	-۰,۶۹	۲۴	۰,۰۰۱

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول (۳)؛ بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی با همبستگی ۰/۸۹ و ضریب بتای ۰/۲۶ قادر به پیش بینی (مجذور ضریب همبستگی) ۷۹ درصد از واریانس شادکامی می باشد. هم چنین با توجه به این که مقدار t مشاهده شده برای این متغیر از مقدار بحرانی بزرگتر است این رابطه معنادار می باشد. بین حمایت خانواده با همبستگی ۰/۹۱ و ضریب بتای ۰/۳۶ قادر به پیش بینی (مجذور ضریب همبستگی) ۸۰ درصد از واریانس شادکامی می باشد. هم چنین با توجه به این که مقدار t مشاهده شده برای این متغیر از مقدار بحرانی بزرگتر است این رابطه معنادار می باشد. بین حمایت دوستان با همبستگی ۰/۹۲ و ضریب بتای ۰/۰۵ قادر به پیش بینی (مجذور ضریب همبستگی) ۸۸ درصد از واریانس شادکامی می باشد. هم چنین با توجه به این که مقدار t مشاهده شده برای این متغیر از مقدار بحرانی بزرگتر است این رابطه معنادار می باشد. بین حمایت دیگران با همبستگی ۰/۹۱ و ضریب بتای ۰/۲۹ قادر به پیش بینی (مجذور

ضریب همبستگی) ۷۹ درصد از واریانس شادکامی می باشد. هم چنین با توجه به این که مقدار t مشاهده شده برای این متغیر از مقدار بحرانی بزرگتر است این رابطه معنادار می باشد.

۵- نتیجه گیری

یافته های این مطالعه نشان داد که؛ بین روش های تربیتی والدین با شادکامی دانش آموزان رابطه وجود داشت. این نتیجه از پژوهش با تحقیق ساموئل (۲۰۱۶)، بنتال و همکاران (۲۰۱۴)، دیاز و همکاران (۲۰۱۳)، فرج الهی و همکاران (۱۳۹۳) همسو بوده است. بنابراین رابطه بین روش های تربیتی والدین و شادکامی دانش آموزان، بر این دلالت دارد: دانش آموزانی که احساس شادکامی دارند: والدین آنها بیش تر از روش سهل گیرانه بهره گرفته اند. خانواده هم چون یک جامعه کوچکی است که هدفش رشد و تکامل اجتماعی کودکان است. روش هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می گیرند، نقش اساسی در رسیدن به شادکامی آنها دارد. در مجموع نتایج تحقیق نشان داد که روش تربیتی مقتدرانه و تا حدودی سهل گیرانه می تواند در ایجاد احساس شادکامی در دانش آموزان مؤثر باشد. از طرفی نتایج این پژوهش با تحقیق اسکات و همکاران (۲۰۱۵) همسو نمی باشد. دلیل همسو نبودن نتایج این است که آنها در یافته های خود به این نتیجه رسیدند که والدین مقتدری که پذیرنده و پاسخ دهنده هستند و کنترل متوسطی را اعمال می کنند. نظارت و کنترل ضعیف، استفاده نا متناسب از کنترل و یک ارتباط هیجانی منفی بین والدین و فرزند به طور وسیعی با مشکلات رفتاری آنان به وجود می آید و موجب افسردگی آنها می شود. این مطالعه در یافته دیگری نشان داد که؛ بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی با شادکامی دانش آموزان رابطه وجود داشت. این نتیجه از پژوهش با تحقیق محمدی و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد. بر اساس این یافته ها می توان نتیجه گرفت وضعیت اقتصادی - اجتماعی دانش آموزان نقش اساسی در رسیدن به شادکامی آنها دارد. خانواده هایی که مهارت های اساسی زندگی را می دانند و تجربه خوبی از آن داشته اند از حداقل امکانات موجود خانواده به بهترین وجه، حداکثر بهره برداری لازم برای شادکامی فرزندان خود به عمل می آورند.

این مطالعه در خصوص حمایت اجتماعی با شادکامی دانش آموزان نشان داد که؛ بین حمایت اجتماعی با شادکامی دانش آموزان رابطه معناداری برقرار است. این نتیجه با نتایج فیدمن و همکاران (۲۰۱۷)، شوستر و همکاران (۲۰۱۳)، کریمی و همکاران (۱۳۹۴) و حسینی و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می توان مواردی را مطرح نمود از جمله این که حمایت اجتماعی یکی از عوامل اجتماعی تعیین کننده سلامت روانی است، همچنین انسان موجودی اجتماعی است و در طول حیات خویش نیازمند هموعان خود و برقراری ارتباط با آنها است. اگر فرد باور کند مورد احترام و علاقه دیگران است، عنصری ارزشمند و دارای شأن بوده و به یک شبکه روابط و تعهدات متقابل تعلق دارد، این باورها در نهایت منجر به احساس خوشایند در فرد شده و نهایتاً به افزایش شادکامی می انجامد. در صورتی که اگر دانش آموز از منبع حمایتی برخوردار نباشد و این باور در او ایجاد شود که تنها است و کسی برای او ارزشی قائل نیست و برای برقراری ارتباط با دیگران مردد باشد در نتیجه انتظار می رود که دانش آموز دچار افسردگی شود. از طرفی نتایج این پژوهش با تحقیق فرج الهی و همکاران (۱۳۹۳) همسو نمی باشد. دلیل همسو نبودن نتایج این است که آنها در یافته های خود به این نتیجه رسیدند که کودکانی که در برقراری ارتباط اجتماعی با مشکل

مواجه هستند و یا از حمایت اجتماعی کافی برخوردار نباشد بروز افسردگی در آنها دور از تصور است و در شادکامی آنان اختلالی به وجود نمی آید.

۶- منابع

- باقری، م (۱۳۹۳) بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری با انگیزه پیشرفت و رابطه متغیر اخیر با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر دوره راهنمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز
- بهروزی، ن (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین سبک های فرزندپروری با هوش هیجانی و هوش با پیشرفت تحصیلی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران
- جعفرزاده، ر، غلامی، ح (۱۳۹۳)، رابطه شیوه های فرزندپروری و تاب آوری با شادکامی دانش آموزان مقطع ابتدایی، فصلنامه روانشناسی تربیتی، چاپ اول، صص ۷۰-۶۸.
- حسینی، ع، عباسی، ل (۱۳۹۲)، مقایسه حمایت اجتماعی، افسردگی و شادکامی در سالمندان، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی عمومی، تهران، ص ۲۹
- حیدرآبادی، ا؛ یعقوبی دوست، م؛ (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی ادراک شده با خشونت خانگی والدین علیه فرزندان. مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۰ (۳۹): ۵۰-۳۲.
- رضایی، م، مرادی، ا (۱۳۹۲). بررسی حمایت اجتماعی و اخلاقیت و رابطه آن با الگوهای تربیتی خانواده در کودکان دبستانی اصفهان، اولین کنگره انجمن روان شناسی ایران، تهران، ص ۱۸.
- عابدی زارع، سعید (۱۳۹۱) رابطه اخلاقیت با هوش هیجانی مجله استعداد های درخشان، سال هشتم شماره ۴ دی - اسفند، فصلنامه سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان
- غلامی، علی (۱۳۹۴). بررسی رابطه هوش معنوی و حمایت اجتماعی با خود تعیین گری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان متوسطه. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فرج الهی، ع، فرهادی، ا (۱۳۹۳)، رابطه بین حمایت اجتماعی با شادکامی، خودکارآمدی و بهبود عملکرد در محیط کار، دومین کنفرانس مدیریت و روانشناسی، بهار ۹۳، صص ۹۳-۱۲۰.
- کریمی، ح، شجاعیان، ب (۱۳۹۴)، رابطه بین شادکامی و حمایت اجتماعی و حمایت اجتماعی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه سوم دبیرستان اهواز، مجله روان شناسی سال سوم، شماره دوم، صص ۱۲۴-۱۱۷.
- کفایت، ح (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط شیوه ها و نگرش های فرزند پروری والدین، هوش و رابطه متغیر اخیر با هوش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال اول دبیرستان پسرانه اهواز « پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز دانشگاه علوم تربیتی و روان شناسی
- محمدی، ر، عطایی، ق (۱۳۹۵)، تحلیل عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر شادکامی در بین دانش آموزان، سومین کنگره انجمن روان شناسی ایران، تهران، صص ۳۲-۲۸
- ملکی، ع، قفرانی، ش (۱۳۹۲)، تدوین مدل روابط شیوه های فرزندپروری، حمایت اجتماعی و شادکامی. فصلنامه خانواده پژوهشی، دوره سوم، صص ۱۳۴-۱۲۰.
- مهر افروز، ح، شهر آرای، م (۱۳۹۳) بررسی رابطه نگرش نسبت به شیوه های فرزند پروری و مکان کنترل با پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان پسر پایه چهارم، مجله علوم تربیتی روان شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان
- میکاییلی، نیلوفر (۱۳۹۴) بررسی شیوه های فرزند پروری با انگیزه پیشرفت و رابطه متغیر اخیر با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر دوره راهنمایی اهواز شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان خوزستان

- نشاط دوست، ح (۱۳۹۴)، تعیین عوامل موثر در شادکامی کارکنان فولاد مبارکه، مجله علمی پژوهشی دانشگاه اصفهان، سال بیستم، شماره ۳۳، صص ۱۰۱-۱۲۱.
- نصیری، ب؛ محمد زاده، ز (۱۳۹۳). رابطه شیوه های فرزند پروری با پرخاشگری و اضطراب کودکان پیش دبستانی شهر فردیس کرج. مطالعات رسانه ای، ۹ (۲۷): ۲۷-۳۶.
- آزاد، ح. (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین نگرش دینی، سبک مقابله ای و شادکامی در دختران و پسران دبیرستانی اصفهانی. مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی. شماره (۵)، صص ۷۸-۸۶.
- بلوند، ز. (۱۳۹۲). رابطه سبک های فرزند پروری با اضطراب در نوجوانان دختر مقطع متوسطه.
- حافظ نیا، غ (۱۳۸۷)، روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، چاپ اول، تهران، انتشارات بازتاب.
- عباسی، ل. (۱۳۹۳)، شیوه فرزندپروری والدین و رفتارهای ضد اجتماعی دختران نوجوان، فصلنامه روانشناسی، دوره ۳، صص ۱۹-۱۰.
- علی بیگی، س، صبا، ن. (۱۳۹۳). بررسی شادکامی و اخلاقیات بر اساس روش های تربیتی در دانش آموزان، شورای تحقیقات آموزشی استان کرمان.
- فیوضات، ح. (۱۳۹۰). فرهنگ توصیفی واژه های تخصصی روان شناسی، تهران، انتشارات طرح نو.
- یعقوبی، ح. و برادران، م. (۱۳۹۱). همبسته های سلامت روانی: شادکامی، ورزش و هوش هیجانی. پژوهش های نوین روانشناختی تبریز سال ششم پاییز ۱۳۹۱ شماره ۲۳.
- Angres DH, Bettinardi-Angres K. (2012). The disease of addiction: origins, treatment, and recovery. *Dis Mon*;54(10):696-721.
- Astor, R. A; Wallace, J. M; Behere, W. J; & Fravile, K. A. (2011). Perception of school violence as a Problem and report of violence events: A national survey of school social workers. *Social Work*, 42, 55-68.
- Bahar, H.H. (2010). The effect of gender, perceived social support and sociometric status on academic success. *Social and Behavioral Sciences*; 2, 3801-3805.
- Baron, R. A., & Byrne, D. (2014). *Social psychology: Understanding human interaction*. Boston: Allyn and Bacon.
- Bental, K. Stattin, H. & Nurmi, J. (2014). Parenting styles and adolescents achievement strategies. *Journal of Adolescence*. 23(1): 205-222.
- Bonomi A.F, Patrick D.L, Bushell D.M, Martin M. (2013). Validation of the united states, version of the world health organization quality life (WHOQI) instrument. *Julin Epidemiol*. 53(1).
- Breismeister, M.J; Schafer, E.C. (2015). *Hand book of parent training, parents prevent and solve problem behaviors*. United States Of America, john wiley & sons, Third edition.
- Bronin T. (2013). Rationales, obstacles and Strategies For Local out come monitory systems in substance abuse Treat ment Setting , *Journal Of Substance Abuse Treatment*, 24, 31-40.
- Buchanan A.S, Hudson B. (2013). *Promoting childrens emotional well-being*. New York: Oxford University Press.
- Chassin L, Presson CC, Rose J, Sherman SJ. (2015). What is addiction? Age related differences in the meaning of addiction, *Drug Alcohol Depend*;87(1):30-48.
- Crick, N.R; & Grotperter, J. K. (2013). Relational aggression, gender, and social psychological adjustment. *Child Development*, 66, 710-722.
- Dennis R.E, Williams W, Giagero M.F, Scloninger E.J. (2012). Quality of life as contex for planning and evaluation of services for people with disabilities. *Eveptional children*; 50(6): 499-512.

- Deyaz, D. M. Borduin, C. M. Henggeler, S. W. & Mann, B. J. (2013). Individual, family, and peer characteristics of adolescent sex offenders and assaultive offenders. *Developmental Psychology*, 25(4): 846–855.
- Dirks, M. A., Treat, T. A., & Weersing, V. R. (2011). The latent structure of youth responses to peerprovocation. *Journal of Psychopathology and Behavior Assessment*, 33, 58-68.
- Eskat, N. R. Norris, A. E. (2015). Examining factors that increase and decrease stress in adolescent community college students. *J Pediatr Nurs*. 26(6): 530-40.
- Friedlander L J, Reid G J, Shupak N, Cribbie R. (2013). Social support, self esteem, and stress as predictors of adjustment to university among first-year under graduates. *Journal of College Student Development*; 48(3): 259-279.
- Frye, S; Dawe, Sh; Harret, P; Kowalenko, S; Harlen, M. (2010). Supporting the families of young people with problematic drug use investigating support options a keport prepared for the australian national collnicil on drugs. *Journal of Clinical Psychology*; 12(4): 54-63.
- Fyrand, L., Moum, T., Finset, A., & Glennas, A. (2012). The impact of disability and disease duration and social support of women with rheumatoid arthritis. *Journal of Behaviorial Medicine*, 25(3), 251-263.
- Ganster, D. C., & Victor, B. (2013). The impact of social support on mental psychology health. *British Journal of Medisal Psychology*, 61, 17-36.
- Griffiths P. (2013). Severity of Dependence and route of Administration of heroin, cocaine and amphetamins, *British Journal of Addiction*. 87:1527-1536.
- Gulact F. (2010). The effect of perceived social support on subjective well-being: procedia social and behavioral scientices; 2, 44-49.
- Hogan, B. E, Linden, W., & Najarian, B. (2013). Social support intervention. Do they work? *Clinical Psychology Review*, 22, 381-440.
- Hupcey, J. E. (2012). Clarifiying the social support theory-research likage. *Journal of Advanced Nursing*, 27, 1231-1241.
- King C.R, Hinds S. (2013). Quality of life nursing and patients perspective. Masachoset. Jones Barter Publishers.
- Lin T.CH. Hsu J.SH.CH. Cheng H.L Chiu CH.M. (2015). Exploring the relationship between receiving and offering online social support: A dual social support model, *information & Management*; 52, 371-383.
- Liu J, Cheng H, Leung P W. (2011). The application of the preschool child behavior checklist and the caregiver-teacher report from to mainland Chinese children: syndrome truture, gender differentces, country effect, and inter-information agreement. *Journal of abnormal child psychology*; 39(2), 251-264.
- Matsuura, N., Hashimoto, T., & Toichi, M. (2010). Correlations among self-esteem, aggression, adverse childhood experiences and depression in inmates of a female juvenile correctional facility in Japan. *Psychiatry and Clinical Neuroticsciences*, 63 (4), 478-485.
- MCvilly K.R.S, Rawilinson R.B. (2011). Ruality of life issues in the development and evaluation of services for people eith inteectual disability. *Journal of intellectuals development disability*; 23(3): 190-108.
- Murray L, Creswell C, Cooper PJ. (2013). The development to anxiety disorders in childhood: An interrative review. *Psychological Medicine*; 39(9), 1413-1423.
- Papadopulos K, Kapakonstantnou D, Montgomery A, Solomou A. (2014). Social support and depression if adults with visual impairments, *Research in developmental disabilities*; 35, 1734-1741.

- Park J, Turnbull A.P, Turenbull H.R. (2015). Impact of poverty quality of life in families of children with disabilities. *Council for exceptional children*; 68, 157-170.
- Pereira A. F, Canavarro C, Cardoso M. F, Mendonça, D. (2014). Patterns of Parental Rearing Styles and Child Behaviour Problems among Portuguese School-Aged Children. *Journal of Child and Family Studies*; 18(4): 454-465.
- Ray, W; Christner, J. L; Stewart, S; Freeman, A. (2014). *Handbook of cognitive – Behavior Group Therapy With Children and Adolescents*; Taylor & Francis Group, LLC – New York-London.
- Santos L.M. Amorin L.D. Santos D.N. (2015). Measuring the level of social support using latent class analysis, *Social Science Research*; 50, 139-146.
- Sarason, J. G. (2010). Parenting disruptive preschoolers: experiences of mothers and fathers. *Journal of abnormal child psychology*, 32(2), 203-213.
- Searight H. R, Manley C. M, Binder A. F, Krohn E, Rogers, B. J, Russo J. R. (2012). The families of origin of adolescent drug abusers: Perceived autonomy and intimacy. *Contemporary Family Therapy*, 13, 71–81.
- Shoster, G. (2013). Changes in parenting to or from changes in adolescent well-being? A transactional perspective. *Dissertation, Concordia University*.
- Smith, P. K; & Hart C. H. (2011). *The handbook of childhood social development* (2nd ed.). West Sussex, UK: Wiley-Blackwell.
- Stinberg, E.A. (2012). Family functioning of out-of-treatment cocaine base past and Cocaine hydrochloride users. *Journal of Addictive Behaviors*.33-866- 879.
- Stroebe w, Zech E, StroebeMs A, Bakoumking S. (2014). Does social support Help in bereavement? *Journal of social and clinical psychology*.24(7).pp: 1030 – 1050.
- Suligo M. (2016). Trends in HIV Prevalence among Drug – users Attending Public Drug Treatment Centres in Italy, 1990 –2000/ *Journal Of medical Virology*, 73:1-6.
- Ventegodt L. (2013). Measurement of Quality of Life. *The Scientific World Journal*; 3, 1030-1040.
- Wike TL. (2011). The effectiveness of a social skilld intervention for preventing aggression in children: An evaluation of the making choices intervention: University of North Carolina.